

هوگگو و زمان

آرامگاه فردوسی

۲۵ اردیبهشت ماه هر سال، روز بزرگداشت فردوسی، شاعر بزرگ ایران زمین نام گرفته است. نوشته ای که در پی می آید، بر گرفته از یادداشت های ارباب کیخسرو شاهرخ بزرگ زرتشتی است که مدیریت و سرپرستی احداث آرامگاه فردوسی را در حدود ۷۰ سال پیش بر عهده داشته. با خواندن این نوشته، بی شک به سعی و تلاش این را در آمدن ایرانی و عظمت و اهمیت کار او آفرین خواهید گفت.

در سال ۱۳۰۵ خورشیدی به منظور حفظ آثار ملی، انجمن موسوم به "انجمن آثار ملی" با عضویت تعدادی از شخصیت های برجسته ادبی و فرهنگی کشور تشکیل شد. ریاست این انجمن با ذکاء الملک فروغی بود و ارباب کیخسرو شاهرخ نیز علاوه بر عضویت در این انجمن مسوولیت دفتر داری و خزانه داری آن را بر عهده داشت. همچنین دو دانشمند معروف ایران شناس، یعنی ره تسنل آلمانی و آندره گدار فرانسوی نیز اعضای افتخاری این انجمن بودند.

ارباب کیخسرو، در سال ۱۳۰۵ خ به منظور شناسایی محل دفن این شاعر بزرگ، عازم خراسان و توس شد. پس از رسیدن به توس، پس از تحقیقات فراوان و پرس و جوهای محلی مقبره فردوسی را بازشناسی کرده و گزارش کار را به انجمن آثار ملی ارائه کند. او در یادداشت هایش، در این مورد می نویسد: "پس از رسیدن به باغ مزبور که بسیار بزرگ و تمام آن مشجر از اشجار قیمی و سبز بود، در یک طرف آن که تقریباً موازی به دیوار خرابه قریه موسوم به "اسلامیه" بود، قطعه زمین بر آمده ای دیده شد به مساحت ۳۰ متر مربع. در اثر تحقیقات اشخاص با خبری که همراه بودند و همچنین فرستادگانی که از دهات اطراف یعنی "اسلامیه" و "وزن" آمده بودند و پرسش هایی که از اشخاص کهن سال محل به عمل آمد، با استدلالات فوق محقق گردید که همین قطعه بر آمده جای مقبره فردوسی بوده است..."

پس از گزارش ارباب کیخسرو شاهرخ به انجمن آثار ملی، قرار بر این شد که برای آرامگاه فردوسی نقشه ای تهیه و مقدمات اجرای آن فراهم شود که مأمور اجرای آن نیز ارباب کیخسرو شد. سپس کمیته ای در خراسان برای رسیدگی به کارها تشکیل می دهد و به تهران باز می آید. پس از چند ماه به او خبر می رسد که وضعیت ساختمان خوب نیست و دوباره عازم توس می شود. ارباب کیخسرو شاهرخ در این مورد می نویسد: "به واسطه بارش فراوان زیاد، راه فریزر کوه بسته بود و ما از راه ورامین رفیقیم. در راه دچار سیل و زحمت زیاد شدیم از جمله انگشت دست من زیر اتومبیل رفت و در نزدیکی نیشابور ما را پشت کرد و از سیل گذرانیدند. در رود و مشهد و رفتن به توس هم دیدم که مبالغی خرج شده است. جز شفته کاری زیر بنا و تهیه قدری سنگهای بی استقامت و سست، کار دیگری نشده است و شفته کاری نیز به قدری سست بود که من با پنجه آن را می توانستم بکنم. پس از آن ارباب کیخسرو از نقشه ظاهر زاده صرف نظر می کند و با اطلاع انجمن آثار ملی، نقشه دیگری توسط آندره گدار دانشمند معروف فرانسوی تهیه می شود. حجار باشی زنجانی نیز پس از مشاهده معادن سنگ نزدیک آرامگاه، سنگ محکم و شفاف و پرنقش را برای این کار انتخاب می کند. نقشه آندره گدار پس از اصلاحاتی تصویب می شود و برای اجرا، کمیته منتخب انجمن در مشهد مسوول می شود. از طرف دیگر چون وجوه تهیه شده کفایت طرح جدید را نمی کرد، پیشنهادی برای ده هزار تومان دیگر به مجلس شورای ملی داده می شود که تصویب می گردد. همچنین مبالغی از اهالی و تجار و اعیان مشهد جمع آوری می شود. پس از مدتی که از شروع کار آرامگاه می گذرد، سقف تا تمام (هرم شکل) طرح پیشنهادی شکست می خورد و بر حسب تقاضای ارباب کیخسرو، آقای طاهر زاده بهزاد نقشه دیگری از روی تخت جمشید تهیه می کند که به جای سقف هرم شکل آرامگاه گذاشته می شود. از طرف دیگر چون جشن هزاره فردوسی نزدیک بود، ارباب کیخسرو نیروهای زیادی را برای کار به توس می فرستد که از آن جمله می توان به حسین آقا لارزه معمار، معمار معروف اشاره کرد. سرانجام تلاش و پیگیری ارباب کیخسرو شاهرخ آرامگاه (واژه ای که خود ارباب کیخسرو آن را به جای مقبره یا انبخت) فردوسی در جشن هزاره فردوسی گشایش می یابد. جالب است که بدانید مانند تمامی کارهایی که ارباب کیخسرو شاهرخ انجام داده است در این مورد نیز حق الزحمه ای دریافت نکرد. هشت سال تمام از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۱۳ خورشیدی به خرج خود راه مشهد، توس و تهران را طی کرد تا آرامگاه فردوسی در توس به پایان برسد.

بر گرفته از: یادداشت های ارباب کیخسرو شاهرخ - موبد د کتر چنگیز انشیدری

سیمای سیمرغ در شاهنامه:

در عین منحصربه فرد بودن، سیمرغ در شاهنامه نقاط مشترکی با سیمرغ هایی که در اوستا یا منابع پهلوی می بینیم، دارد. و همین نقاط مشترک با منابع گوناگون، مرغی بسیار رمز آلود را به وجود آورده است که نظریه پردازی درباره آن را بسیار مشکل می کند. خصوصیات سیمرغ در شاهنامه را می توانیم اینگونه بشماریم:

۱. آشیانه او بر بلندی کوه قرار دارد؛ یکی کوه بود نامش البرز کوه بخورشید نزدیک و دور از گروه به آن جای سیمرغ را لانه بود که آن خانه، از خلق بیگانه بود در منابع پهلوی در اوستا، هیچ جا، آشیانه سیمرغ بر بالای کوه نیست، بلکه بر بالای درختی در میان دریای فراخکرت است. در مورد کوه البرز، طبق نوشته های پهلوی و اوستا، مرکز جهان است، ریشه تمامی کوههاست تمام ممالک شرقی و غربی را احاطه کرده است، سر حد میان نور و ظلمت آسمانی است از قله هکر بلندترین قله البرز، رود اردویسور، به بلندی هزار قدم آسمی سرازیر می شود و به دریای فراخکرت می ریزد، قرار گاه مهر آنجاست و... فقط در بندهشن از کوهی به نام یاد شده که به معنای فراز سیمرغ است.

۲. سیمرغ شاهنامه، جفتی دارد که او نیز ماده و دارای دو فرزند است که بهتر است او را همزاد این سیمرغ بخوانیم. این مطلب نیز خاص خود شاهنامه است و در جایی از اوستا یا منابع پهلوی، مانند آن را نمی بینیم مرحوم مختاری در مورد این دوگانگی سیمرغ در شاهنامه عقیده دارد که این مسئله به دوگانگی زال در حماسه، بر می گردد و اهریمنی یا ایزدی بودن سیمرغ، به روابط اجتماعی اشاره دارد، هنگامیکه جامعه زال را می پذیرد، سیمرغ نیز پذیرفته و همانند زال مقدس و ایزدی است و هنگامی که جهاد سیاسی و دینی زال به خصومت می رسد، سیمرغ را نیز جادوی شناسد و خصمانه می نگرد.

۳. سیمرغ سخن گفتن می داند و به زال هم سخن گفتن به زبان مردمان را می آموزاند. این که سیمرغ زبان مردمان را می دانسته در زات اسپرم بخش ۲۳ ذکر شده است. می نویسد: "زبان سیمرغ را زال می دانست زیرا هفت سال او را پرورده بود و سخنان او را برای رستم ترجمه کرد" (صفحه ۲۶۷.۸). اما در شاهنامه، رستم نیز با آن زبان آشناست و سیمرغ درباره چوب گز، خود دستورات راهنمایی ها را به رستم ارائه می دهد. از سوی دیگر با اینکه سیمرغ در شاهنامه حکیم و دانشمند است اما ظاهراً به زال جز سخن گفتن چیز دیگری آموزش نمی دهد و زال دانش و حکمت را پس از جدایی از سیمرغ فرا می گیرد:

زهر کشوری موبدان را بخواند
پژوهید هر کار و هر چیز ز راند
نستاره شناسان و دین آوران
سواران جنگی و کین آوران
چندان گشت زال از بس آموختن
تو گفستی ستاره ست ز آفرختن
به رای و به دانش به جایی رسید
که چون خویشتن در جهان کس ندید
از معجزه پر سیمرغ در اوستا در بهرام
یشت یاد شده است البته در مورد مرغ و ارغن که آن را شاهین دانسته اند، نه سیمرغ. کارهای اعجاز آمیز و شاید جادوی سیمرغ از مرد جنگ رستم و اسفندیار و درمان رستم و رخس و نیز از تیر زاب و زرمی نیست.

۵. نسبت شاه مرغان و مرغ فرمانروا که در شاهنامه به سیمرغ داده شده، در اوستا به صورت مرغان مرغ پرایمان آشناس است. عظمت سیمرغ شاهنامه به اندازه ای است که چون پدیدار می شود مانند آبری نمود می کند که بارانش مروارید است و این تغییر بهرام یشت همانند است. سیمرغ شاهنامه، درمانگر است و این ویژگی شاید الهام گرفته از نقشی باشد که سیمرغ در اوستا و منابع پهلوی دارد و آن ارتباط و مسکن او بر درخت (همه را درمان بخش) می باشد.

ادامه دارد

سیمرغ در اوستا و شاهنامه (۱)

نوشته: فرزانه گشتاسب



زال در بغل سیمرغ

تفسیر آخر زمان است (بندهشن بند ۹۵ درباره چگونگی جانوران به پنج شکل در چهارم آینه برنده است که از ایشان سیمرغ ۹۷ شگفت بزرگترین و قویترین است) بند سیمرغ در دهام، مرغان یکصد و ده سرده سیزده سرده ایشان چون سیمرغ، کرشفت، آلو، کرسک که دالمن خوانند، کلاغ، پشن ... یازدهم، شبکور از ایشان دو تاند (که شیر درند، به بیستانا پناه را غذا دهند سیمرغ و شبکور. چنین گوید که شبکور به همانندی سه سرده آفریده شده است: سگ، مرغ و موش ...)

بندهشن بند ۹۹: «چنین گوید که نخست کژ ماهی و ارز روند، فرود به سوه شدند و گوسفندان به زور برش و زورجرشن، سیمرغ به دریای فراخکرت، اسب نیرومند به فرد منش و ویدرفش، ایشان ۶ ماه پیش از پندنگان به آنجا شدند و در درازای سالی، آن جانوران کوه ز به بیامندن، بجز سیمرغ، به دو سال آن (جانوران) آب زی و سوراخ ز بیامندن بجز کرمهای ...»

بندهشن بند ۱۱ بنددهشن درباره چگونگی زایش هر سرده ۹ درباره مرغان گوید که آلوه دالمن و سیمرغ و دیگر مرغهای بزرگتر چهل روز به شهری سی روز به آمیزگی، پانزده روز به تخم ده روز به پر برویدن اند، و دیگران هفت نشست به نشتری. هفت [شب] به آمیزگی، هفت [شب] به تخم اند تا به آن تخم در آمدن و هفت [شب] تا پر برویدن.

بندهشن بند ۱۱۵ بنددهشن درباره چگونگی گیاهان «هر سال سیمرغ آن درخت را بینشانند (درخت بی تخمه در دریای فراخکرت) آن تخمهایی (فروریخته) در آب آمیزد، تشر (آن را) با آب بارانی ستاند. به کنورها باراند، نزدیک بدان درخت، هوم سپید درمان بخش یازکیزه، در (کنار) چشمه اردویسور رسنه است، هر که (آن را) خورد بی مرگ شود، و آن را گوشتن درخت خوانند.

بندهشن بند ۷۹ و ۷۶ بنددهشن درباره چگونگی کوهها نام کوه ابرسین یا ابورسین که در اوستا می باشد آمده است به معنای «فراز شود ... همه (به سبب) ایزشن و نیایش هر مزد و امشاسپندان به دین بود» (ظاهر

کسی که استخوانی از این مرغ دلیر یا پری از این مرغ دلیر با خود دارد هیچ مرد توانایی او را نتواند کشت. آن او را پناه بخشد، آن پر مرغان مرغ ...»
سیمرغ در متون پهلوی
سیمرغ خرد، فصل ۶۲ قفره ۱۰: سیمرغ کجا آشیان دارد قفره ۲۷: آشیان سیمرغ درخت دور کننده غم بسیار تخمه است. قفره ۲۸: و هر گاه از آن برخیزد هزار شاخه از آن درخت برآید. قفره ۲۹: و چون بنشیند هزار شاخه از آن بشکند و تخم از آن پراکنده شود.
گزیده های زاد اسپرم (به روایت مهرداد بهار) فصل ۳ بند ۲۹ و ۳۰: «درخت در بردارنده همه تخمها و هوسپ تخمک را در میان دریای فراخکرت آفرید که همه انواع گیاهان از آن رویند و سیمرغ در آن آشیان دارد. هنگامیکه از آن به پرواز در آید، تخم خشک را بر آب افکند و آن تخم هابز بر زمین باریده شوند و هوم سپید را در نزدیکی آن درخت آرید که دشمن پیری و زنده گر مردگان و بمرگ کننده زندگان است. در بخش دریای زات اسپرم «از آنجا ها، از انواع ماهیان نام، از سوراخ زی ها، قاقم سپید و سمور سپید، از پندنگان کرشف مرغ، سیمرغ و از دیگر انواع ددان، خرگوش که ددان را راهنمای آب است. از چرندگان، خر بز سپید. ایشان از زبان مردم این را از فرزند پذیرفته و به ناسرگرمی پنج گونه [جانوران] گماشته شدند که ...»
یادگار زیران آنجا که بستور سپر زریه به کین خواهی پدر می تازد و می گوید: «هلا درخت! جان! افکنده ات را که، بر گرفت؟ هلا گراز! اتاب تو را که بر گفت؟ هلا سیمرغ! باره ات را که بر گفت؟ ...»
روایت پهلوی فصل ۳۱: تو که زردشتی اگر تو اتنگی فرا رسد یا فراخی، از گفتن دیگر باز نایست، زیرا که این زمین اگر هامون بشود و آب اگر اندر دریا بیاستد و سیمرغ اگر یابد بیشتر آشیان گیرد و هر که در جهان است اگر باز خیزد، خورشید اگر بدان راه رود و هر که اندر جهان است اگر بی گناه شود ... همه (به سبب) ایزشن و نیایش هر مزد و امشاسپندان به دین بود» (ظاهر

همکاران: پژمان پیلین، فروش تیربوستنگی، آرش دیناریان، گیوان هور تریتی دهمود، فیروزه روزبه تن، ص زمان، شهرام پوردهی



هیچکس

به لجه گرماتی

کرم ان، پس از سالها بیمارستان و زایشگاه خداداد مهرایی راه اندازی می شود. (امرداد. ۸۱/۹/۶)

آدرخان: آخه پدرجان، چرا ای را نمی یفته. نکته ای قطره واکسن فلج اطفال و بهش نداده بودی. ای که هنوز تاتای تی می نمی کنه. آخه پدر جان چقدر بی مبالایی؟! چرا هسکی ای مواظبت نمی کنه!
 آخه بابا جون ازی بابا که جز همین تابلو اویی که دختو دس ور دماغش مینه می گه هیس دیکه هچی و شش نداشتن. دست هسکی مم ور هج ج بندنی. یعنی واقعا پیرا دیر که ما هاییم وای به حال این جال جونوا. زیم ما شالله می خام به کم ای کوداسیا فسفات پدم بجامون بخورن شاید اینا دیکه میث ما فسفر کم نیارن...
 چیه هی دس ور دماغت می زنی میگی هیس. آخه هسکی پنا حرف بزبه که ممکنه به قلیچ قبا اربابا بر بخوره. زیم ماشالله اقلا به لیخندی مم میث او دختو تو عکس بزین بعدش بگو هیس!! با ای اخمی که کردی، با او دماغ پت پیت هر کی ببینه پس من یفته...
 آق، دس تو دماغت بود، م فک کردم رو دماغته، اق، نیشت پیند، ...
 آخرش آداب یاد نمی گیری که نمی گیری.

۱. ای را: ای راه ۲. دس ور: دست به ۳. وشش نداشتن: برای نگذاشته اند ۴. هیچ جو: هیچ جا ۵. ای: از این ۶. سیا: سیاه ۷. مٹ: مثل باشو آدرخان

نُکته

به مناسبت روز وقف

مرد سرشناسی بود که زمین بسیار وقف می کرد، روزی او را کلنگ به دست در حال خراب کردن خانه خود دیدند. گفتند: ای مرد! چرا چنین می کنی؟ گفت: زان سبب که چون این خانه را وقف کنم، کاری جز این بر او نخواهد شد، پس خودم پیش دستی کردم و آن را به همان حال که خواهند، در آوردم.

اشتراک امرداد پاسخی است به نیاز جامعه زرتشتی

- ارسال نشریه برای درخواست هایی که پیش از پانزدهم هر ماه به بخش مشترکین برسد از اول ماه بعد آغاز می شود.
- آدرس به صورت کامل و خوانا نوشته شود. قید شماره تلفن و کد پستی ده رقمی در بهتر رسیدن نشریه بسیار اهمیت دارد.

هزینه اشتراک داخلی (یکساله):
 پست عادی: ۱۹۵۰۰ ریال | پست سفارشی: ۳۶۰۰۰ ریال

هزینه اشتراک خارجی (یکساله):
 آمریکا، استرالیا و آفریقا: پست عادی: ۲۰۰۰۰ ریال
 کشورهای اروپا و آسیا: پست عادی: ۹۰۰۰۰ ریال

نام و نام خانوادگی: _____
شهرستان: _____
کوچه: _____
کد پستی ده رقمی: _____

شماره فیش بانک: _____
تاریخ تکمیل فرم: _____
سن: _____
شماره فیش بانک: _____

نوع پست: سفارشی عادی
نوع درخواست: اشتراک جدید تمدید اشتراک

می توانید بهای اشتراک را به حساب جاری ۸۷۸/۸ بانک ملت شعبه سازمان صنایع ملی (تهران) قابل واریز در کلیه شعب بانک ملت در سراسر کشور به نام جمشید کیومرثی واریز و اصل رسید را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان خردمند شمالی، کوچه ششم، پلاک دو، کد پستی: ۱۵۵۸۸ ارسال نمایید.

الو (هکا) هک

الو ببخشید، منزل آقای چکاچک؟
 بادرود؛ لطفاً پس از شنیدن صدای من و صدای بوق، حرف بزنید!

● جوانی هجتم چند ساله. ما جوان ها از بس مدام برای خودمان تصمیم گرفتیم داریم دق می کنیم. لطفاً به مسوولان بگوئید کمی هم آن ها برای ما تصمیم بگیرند!

● جوان چند ساله ما به مسوولان گفتیم، گفتند چون دارند برای نوجوانان تصمیم می گیرند، فعلا وقت ندارند!
 ● چند سال پیش تابلویی را وقف کردم. اما حالا شنیده ام که بدون اجازه ای من آن تابلو را برداری کرده اند آخر این کارها چه معنی دارند؟

واقع بینانه

● شما می توانید کمی گرد و خاک تهیه کنید و تابلوهایتان را دوباره خاک و خلی کنید، اصلاً آن را بردارید و محکم بزنید زمین.
 ● قسمت چکاچک بسیار جالب و سرگرم کننده است. فقط وقت برنامه های علمی آن را افزایش دهید.

● خواننده به کاره
 ● مشغول صحبت با مسوولان صدا و سیما هستیم تا برنامه های مورد نظر شما هم تأمین شود!
 ● من پول ندارم، راهنمایی ام کنید که چه کنم؟
 ● بی پول بی مایه
 ● مثل اینکه این پیام دهنده ی گرامی، چکاچک را با صندوق بین المللی پول اشتباه گرفته اند.

بهره

در این جا هشتصد و هفتاد غرفه است به هر غرفه دو چندان سر نهفته است درون غرفه ای در سالن دو امرداد راویان کردند سکتا درون غرفه چندین مرد در کار خداوند! از آسیب دورشان دار یکی مسوول غرفه پشت پستو و پشت دخل جوجه اردک زشت، پریشان حال و خستو غضب می بارد از سر تا به بالاش غضب می بارد از روش و من لرزان: درود آقا! چقدر است؟ بهای هر شماره زین امرداد؟ ندارد قابلی، از بهر جانم بده هفتاد و پنج چوق... صدایم در نمی یاد!

برای اشتراک یا خرید امرداد می توانید به یکی از نمایندگی های امرداد در تهران، یزد و کرمان به شرح زیر مراجعه نمایید:

- تهران، میرزا کوچک خان، جنب آدریان، فروشگاه پاسارگاد. آقای هرمزدمدار اختری. تلفن: ۶۷۰۱۲۰۹
- تهران، فروشگاه لوازم التحریر مهرتن، میدان فرحیخانی آقای افسر کشمیری. تلفن: ۸۰۲۴۲۵۶
- تهران، آبان جنوبی پلاک ۳۵، دفتر بیمه دانا آقای پرویز فروهر. تلفن: ۸۸۹۹۲۶۲
- یزد- انقلاب بنسید به سینما فرهنگ. کتابفروشی بزرگمهر آقای فریبرز یزدانی. تلفن: ۵۲۵۲۸۱۲
- بلوار شهید صدوقی، روبروی تالار شهر. کتاب فروشی کورش. برادران آخوی جوتلفن: ۷۲۵۰۱۵۱
- یزد- انقلاب بنسید به سینما فرهنگ. کتابفروشی بزرگمهر. آقای فریبرز یزدانی. تلفن: ۵۵۲۸۱۲
- یزد- میدان مارکار، فروشگاه لوازم التحریر خسروی - آقای رستم خسروی. تلفن: ۶۲۴۴۳۶
- یزد- کوچه آتشکده، پلور شگاه، کتر بهرام پوروش. آقای پرویز خسروینی
- اصفهان، خیابان نظر شرقی، کوچه سیجان، آقای بهزاد نیک دین
- کرمان، خیابان دادین، باشگاه ورزشی اردشیر همنی. آقای نیک دین
- هواز. مجتمع دینی فرهنگی زرتشتیان. کیان پارس. آقای مهران بودای. تلفن: ۳۶۶۰۱۵

در دیگر شهرها امرداد را از انجمن های زرتشتیان تهیه کنید

آخ هفته کجا بریم؟

بودجه اهدایی ریاست جمهوری به کوشک و جواند اختصاص یافت. (امرداد. ۸۰/۸/۲۱)

— الو، روز بخیر من در مورد خبر بالا مزاحم شدم. آیا اختصاص مبلغ دوپست میلیون تومان صحت داره؟
 — الو، شب بخیر این دفعه دیکه نوبت تو ا چشم برداری! زود باش تا ده بشمار اونوقت بیا منو پیدا کن. زیر چشمی نگاه نکنی آشپتون.
 — یعنی چی آقا. مگه ما با هم شوخی داریم؟ خدمتتان به سوال تقدیم کردم، شما هم لطفاً مودبانه جواب بفرمایید. واقعا این حرکات در شان شما نیست.
 — قول بده آقا سوالاتو جواب دادم بیای قایم باشک، باشه؟
 — باشه آقا! قول میدم. خب حالا واقعا جایی مشکل دارتر از کوشک و جواند نبود؟ یا اصلا با دوپست میلیون تومان کارهای مهمتری مثلا برای ساخت مکان های آموزشی، انجام ساختمانهای نا تمام مثل آدریان و غیره، حل مشکل ورزشی و... مقدور نبود؟
 — واقعا خدا رو شکر ما یکی از این مشکلاتی که شما می فرمایید (هزار مرتبه شکر) در جامعه خودمون نداریم. اینها تبلیغاته اصلا همین کارا رو کردن که... خدا رو شکر افراد جامعه می ما سالم، پولدار و دماغشون چاقه. بله به خانوم بچه ها سلام برسوینین.
 اصلا حرفهایی میزنن که با هیچ عقل سالمی نمی شه تحلیل کرد. واقعا این روزا مگر میشه با دوپست میلیون تومان چیزی خرید، مگر میشه آپارتمان ساخت یا کدوم عروسی کمتر از پانصد میلیون تومان هزینه می بره. اصلا با دوپست میلیون تومان چند نفر رو میشه سروکار گذاشت! آخه شما بگین مگه مردم ما مکان تفریحی لازم ندارن. اصلا بگو ببینم ما آخر هفته کجا بریم قایم باشک بازی کنیم؟ باز قبلا به زمین وصلی بود، حالا هر چی هم که کوچیک بود اما بد نبود. اونم که اومدن می ما رو سگ سگ کردن ولی ما پیدا نشدیم.
 — آخه مگه شهرهای دیکه زرتشتی نشین نداره؟ لا اقل می بایست به نظر خواهی هم از اونا می کردین.
 — نه دیکه اومدی نسازی. شهرهای دیکه که موقع انتخابات نظر خودشون بصورت تمام و کمال او نهم در آزادی کامل اعلام می کنن. دیکه برای هر مورد جزئی که نباید هی مزاحم افکار عمومی شد. اینا باعث تشویش اذهان عمومی می شه. خب من دیکه رفتهم بازی. تا ده بشمار، زیر چشمی هم نگاه نکن.

— الو... الو... آقا کجا رفتی. کوش؟ کجاست؟ الو... آقا... الو... سگ، سگ!!

موقوفات:

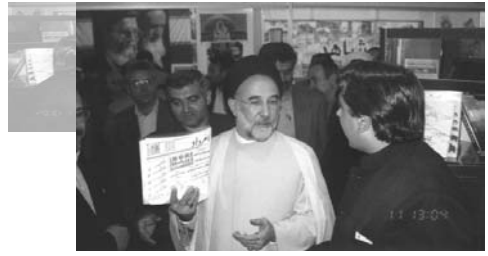
گنج قارون
 علاقه به خدمت به جامعه:
 گزینش رییس برای بنیاد های موقوفه:
 مشتری های پروپاقرص آسون:
 زمان ساخت در مانگاه یگانگی:
 ... وقتی که لک ها پرواز می کنند

بهای اشتراک از آغاز اردیبهشت ۱۳۸۱ ماه



بهای اشتراک از آغاز اردیبهشت ۱۳۸۱ ماه

نهمین نمایشگاه



به اطفاف نگاه می کنیم، به روبرو مان، در کناره خیابان های اطراف پر شده از تبلیغ های گوناگون و رنگی، ولی همه با یک موضوع: پانزدهمین نمایشگاه کتاب و نهمین نمایشگاه مطبوعات. پر از هیجان می شویم. وقتی که به محوطه ای نمایشگاه می رسمیم از دیدن آن همه طراوت و سبزه های تازه رویداده به وجد می آییم. به این فکر می کنیم که در روزهای نمایشگاه ما این زیبایی ها به چشم می آیند؟ همه جا خلوت و خیابان های نمایشگاه بی جمعیت، کسی نبود. ترمای محوطه ی نمایشگاه را که نگاه می کردیم، می توان فرار بیشتر نمی دیدیم. خلاصه بعد از چند مرتبه چرخ زدن در میان گذرگاه های پیچ در پیچ فردی را دیدیم که در کنار نیمکتی ایستاده بود. سراغ ستاد نمایشگاه مطبوعات را از او گرفتم. با انگشت به پایین خیابان اشاره کرد. چند دقیقه بعد در تالار ستاد هستیم. ستاد تشکیل شده از سه چهارتا میز و کارمندان چند. سی هزار تومان برای شش متر مربع غرفه و دیگر مدارک را تحویل می دهیم و بعد خداحافظی... سوار ماشین می شویم و باز از محوطه خالی جرمیج نمایشگاه به طرف دروازه ی خرجه حرکت می کنیم.

وقتی وارد سالن شماره دو می شویم وبه غرفه امرداد می رویم می بینیم آلیک هم آماده شده. روزنامه آلیک با سابقه بیش از ۲۳ سال انتشار حتی قبل از اطلاعات، در خدمت توسعه فرهنگی بوده است. اما تنها

فردا صبح نمایشگاه گشایش می یابد. روز گشایش؛ غرفه آلیک؛ وقتی وارد سالن شماره دو می شویم وبه غرفه امرداد می رویم می بینیم آلیک هم آماده شده. روزنامه آلیک با سابقه بیش از ۲۳ سال انتشار حتی قبل از اطلاعات، در خدمت توسعه فرهنگی بوده است. اما تنها



چند روز بعد

خیلی شلوغ نیست، می گویند باید به سالن شماره دو برویم. چند لحظه بعد در آنجا هستیم. بیشتر غرفه ها خالی است و دست نخورده، بعضی ها هم شکلی به خود گرفته اند و تعدادی هم مشغول آماده کردن غرفه هایشان هستند. به دنبال غرفه خودمان می گردیم، بعد از مدتی جستجو غرفه را پیدا می کنیم، سالن شماره دو، نشریات دفاع مقدس؛ فکه... شاهد... صف... در میان آنان امرداد. چه اتفاق جالبی، برایمان عجیب است. در پاسخ درخواست ما برای رعایت تناسب در ترکیب غرفه ها جواب می شنوم که: «نشریات مذهبی در کنار هم جالب تر هستند!» آلیک هم هنوز نیامده. اصلا خبری نیست. کم کم پیشمان می شویم. شورو شوق اولیه مان را از دست می دهیم. آیا اشتباه کرده ایم؟

طرف های ظهر است، بیشتر غرفه ها را آماده کرده اند و بعضی از مسئولین این غرفه ها با خیالی آسوده بر روی میزلی آمده آورده اند لم داده اند و با لبخند رضایت به روزنامه های نوروز و بنیان نیست. هنوز هیچ کاری نکرده اند. ما چهار نفر بچه های امرداد سخت مشغول می شویم باید همه چیز برای فردا آماده باشد. می گویند تا ساعت پنج بعد از ظهر بیشتر وقت نیست و بعد درها را قفل می کنند. امردادها را به شکل مایل روی دیواره های کناری می چسباییم، آن طرف تر تقویم ها را خیلی منظم به دیوار می زنیم.

با این استقبال، روزنامه ها هم راهی نیستند. تکلیف امرداد هم روشن است آن هم در راهروی میانی و در میان نشریات دفاع مقدس و حقوقی! ساعات ده باامداد است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آقای مسجد جامعی، به همراه تعدادی دیگر، از غرفه ها بازدید می کنند. آنها روبروی غرفه ما هستند و به تابلو ما نگاه می کنند. کتاب «سیری در آموزش گات ها» و «زرتشت، مزدیسنا، حکومت» را به ایشان تقدیم می کنیم، به همراه نسخه ای از امرداد به رسم یاد بود. خوش بوشی صمیمانه می کنند. آقای وزیر نگاه می صفحات می اندازد. از سردبیر می پرسد، پاسخ می دهیم. می گوید: «موفق باشید! او با لبخند و حرکت سر خداحافظی می کنند.

۱۴ اردیبهشت؛ پنجشنبه؛ بازدید کنندگان امروز، حسابی تلافی خلوتی دیروز را می کنند و ما از این اتفاق خوشحالیم. کم کم امیدوار می شویم. می توان ادعا کرد غرفه امرداد شلوغ ترین غرفه است. البته در میان هم سنگان! بازدید کنندگان می آیند، می ایستند و شروع به خواندن می کنند. پرسش هایی است که بدون وقفه پرسیده می شود. این بار نیز همکاران با افتخار تا حد توانایی سوالی را بی جواب نمی گذارند. هر چند که بسیاری از پاسخ ها به کتاب ما، ارجاع داده می شوند.

برای روز آدینه امیدواری بیشتر داریم. حتما خیلی شلوغ تر خواهد بود، بازدیدکنندگان غرفه به غیر از کتاب های فرهنگی و دینی زرتشتیان، خواهان خرید همه گونه محصولات فرهنگی زرتشتی دیگر نیز هستند. به همین منظور به چاپخانه راستی و فروهر رنگ می زنیم و از آنان تقویم دیواری و جیبی می خواهیم. طولی نمی کشد تا مین می شود. کتاب سخنرانی های موبد شهزادی را هم از آقای اختری می گیریم. زودتر از همه تمام می شود. اینجااست که می گویند حضور داشتن هر چند غیر فعال، بهتر از عدم حضور است.

تا نیمروز آدینه تعطیل اعلام می شود. ساعت ۱۱/۳۰ به طرف نمایشگاه به راه می افتیم. وقتی که به آنجا می رسمیم. سیل جمعیت به طرف نمایشگاه راه افتاده اند. امرداد هم غرفه ی شلوغی داریم. وقتی دفتر انتقادات مربوط به امرداد را نگاه می کنیم تنها مهربانی و لطف و صمیمیت می بینیم و خوشحال می شویم.

تعدادی از نمایندگان مجلس هم به دیدن ما می آیند. مهر به ایران در سیمایشان نمایان است، می پرسند: دکتر دبستانی آمده اند؟ می گویم: هنوز نه، ولی به عنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی منتظر آمدنش می مانیم. معنی خاصی ندارد. بعد از انتظار طولانی، نماینده ما در مجلس شورای اسلامی هم آمدند و بعد از بازدید از غرفه و پرسشی و جو در مورد چگونگی کار در اولین نمایشگاه مطبوعات، به همراه خداحافظی گرمی، ما را ترک کردند.

الله کولایی هم می آید: می پرسد آیا در امرداد درباره ی مشکلات و مسایل جامعه زرتشتی هم می نویسید؟ جواب ما آقدر ها مهم نیست، چون باید ماند و شد. خیلی ها سراغ وهومن و فروهر را می گیرند؟ چرا آن ها هستند؟ چه بگویم؟ جوابی ندارم! ولی اینکه کلمی ما با آن نشریه ی پریمیایه افق بینا و سردبیر فعالش آقای آبابی و رئیس انجمن با شهامت و مدیریت آقای یشایی در این نمایشگاه حضور پیدا کنند، برایمان سوال برانگیز است. در همین افکار هستم که از دور آقای آبابی و یشایی را می بینیم که به طرفمان می آیند، چه اتفاق جالبی، خوشحال می شویم.

غرفه ی انجمن کلیمیان ایران در نمایشگاه کتاب درست در مقابل غرفه ی امیر کبیر قرار دارد. انجمن کلیمیان کتاب های خوب و پر محتوایی را منتشر کرده است، بنابر این ترجیح داده که به جای

نخستین تجربه

پری کیومرثی

حضور در نمایشگاه مطبوعات، پذیرای بازدید کنندگان در نمایشگاه کتاب باشد. نام غرفه، انجمن کلیمیان ایران است که غرفه ی خود را با چندین عکس و همچنین قالیچه ای زیبا، زینت بخشیده اند. البته مجله ی بینا هم در معرض دید بازدید کنندگان قرار دارد و جمعیتی که روبروی غرفه را پر کرده اند، امید موفقیت برایشان داریم.

نشست های جنبی به راه است، خانم سردبیر امرداد هم سرانجام می آیند، امیدوار نیستم که از همه چیز راضی باشد ولی مثل اینکه کارمان بد نبوده، زیاد ایراد نمی گیرد، تاکید می کند خیلی شلوغ نکنیم. بلند گو مرتب اعلام می کند: کدام نویسنده و کاریگاریست و سردبیر و مدیر مسئول نشست دارند. بعضی ها خیلی



بازدید برای عموم آزاد می شود. خبر اینکه امروز آقای خاتمی از نمایشگاه بازدید می کنند، در مدتی کمتر از یک ساعت پخش شد. گفته بودند ساعت ۹/۳۰ و ما منتظر ورودشان بودیم. ولی طرف های ظهر که شد دوباره سالن را خالی از جمعیت کردند و باز سالن بود و مسئولین غرفه ها و ورود رئیس جمهوری. سرانجام بعد از کلی انتظار، رئیس جمهوری به طرف غرفه ما می آید، همکاران امرداد همه خوشحال هستند، وقتی می رسد، نگاه می رود معنی و صمیمی تر از پیش به غرفه می اندازد و حال همکاران را جویا می شود می پرسیم: چرا در کشور خودمان به ما اقلیت گفته می شود در صورتی که ما ایرانیان زرتشتی هستیم؟ با لبخند نگاه می کند و می گوید: زرتشتی، مسیحی، سیمایی و مسلمان همه با هم برابر هستند و فرقی بین هیچ دین و مذهبی و گروهی نیست و در واقع واژه ی اقلیت تنها از نظر کمیت ادیان نسبت به مسلمانان در ایران بیان می شود و معنی خاصی دیگری ندارد.

این هم یک خاطره زیبا. گویا همه چیز دست به دست هم داده است، گویا قرار است نخستین تجربه ما به یکی از شیرین ترین تجربه هایتبدیل شود.

این پایانی دعوت هستیم. همه هستند. قرار است برترین ما معرفی شوند. اولی، دومی و ناگاه «امرداد» نیز به عنوان غرفه برتر معرفی می شود.

هیجان نمی دانه واژه را قدرتی نیست. لوح تقدیر نشان جشنواره و سکه بهار آزادی. و بالاخره آدینه: نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی هم می آید. شاید او هم تحت تاثیر موفقیت امرداد قرار دارد. به درون غرفه می آید و در آخرین لحظات برگزاری نمایشگاه در کارمان می نشیند. خوشحالیم. اما زودتر منتظرش بودیم. باران می بارد همه چیز زیباست و همه چیز زیبا تمام شد تا سالی دیگر!

اشغال کرده بودند، هر کسی سوالی می پرسید. یکی دوتنفر هم از مسئولین در قبال سوال فردی گفت: ایرادی ندارد امروز ما را می ببندند، فردا یکی دیگر به جای ما می آید. به غرفه امرداد می رسمیم، چه ما مشغول هستند، با ذهنی آشفته و پرسش هایی نه چندان کم، در گوشه ای از غرفه می نشینیم و به فکر فرو می روم. امرداد هم گذشت، نمایشگاه تقریباً شلوغ بود. ولی نه به اندازه روزهای پیش. وقتی از نمایشگاه بیرون می آییم، هنوز بنیان توقیف است و مسئولین در حال توضیح دادن، نمی دانم چه می شود؟ خدا آخر عاقبت آن ها را به خیر کند.

مهاجران امرداد در شهرستان ها، شهرام پردی، مهران پولادی، بلوک خداداد کوچکی مهران غیبی خسرو پهنین، غزاد شهریاری فر

سقف تالار نیایش آتشکده وهرام یزد فرو ریخت



سالمات که روز پایانی هر هفته نوای نیایش، ستایش، بحث و گفتگو دوستداران و علاقمندان آرامش اینجارجار هم می شکست.

واکنون این چنین فروریخته است؟! چرا؟

تالار فرنگیس آتشکده وهرام یزد، پسین روزآینه سیزدهم اردیبهشت ماه فرو ریخت. به گزارش خبرنگار امرداد، در این رویداد دیوارهای سمت آتش وهرام که حدود یک متر عرض داشتند زیر زمین آن ویران شد و تنها دیوار سمت کوچه ی آتشکده و قسمت کوچکی از تالار باقی ماند. بنا بر این گزارش این رویداد، تنها خسارت مالی به همراه داشته است و طی آن تعدادی از صندلی ها، بخاری بزرگ، گاو صندوق و برخی از اشیای دیگر موجود در

مستون آزاد

الو، روز بخیر، امرداد؟! پیام گیر امرداد روی خط ۰۶-۸۲۲۴۸ دریافت کننده پیام ها، پیشنهادها و انتقادهای شما بشنوند.

بار دیگر و این بار در تابلوی اعلانات دانشگاه شهید باهنر کرمان اشتباه قدیمی در مورد دوگانه پرست خوانده شدن زرتشتیان تکرار شد. گر چه انجمن زرتشتیان کرمان با شکایت رسمی علیه نویسنده یا نویسندگان این مطلب، موضوع را پیگیری می کند. اما آیا راه حل اساسی این موضوع نباید به ارگانها و مراجع دینی بالای زرتشتیان واگذار شود و این وظیفه انجمن موبدان نیست که مشکل را برای همیشه حل کند؟

مهران غیبی آیا بهتر نیست افرادی که مشغول به نمانند تنوری و سیروگ هستند مورد حمایت انجمن زرتشتیان تهران قرار گیرند تا آواره ی این جا و آنجا نشوند.

پریخ خسرویانی خیلی خوب می شد اگر مسافران چند روز سال نو را با خادمین پذیرشگاه ها همکاری می کردند تا آن ها هم کمتر با مسافران برخورد کنند. دوستدار جامعه

نقازای من از دبیر ورزش مدرسه رستم آبادیان این است که بیشتر وظیفه شناس باشد و در رنگ ورزش در حیاط حاضر باشد و جواب بچه ها را با برخوردی درست بدهد.

یکی از اولیاء بهتر نبود کار بازسازی تالار پذیرایی خسروی را که به مهندس شفق داده اند، به مهندس کار آمدتر و بهتری می دادند و آیا در مورد ایشان تحقیق کافی صورت گرفته است.

بدون نام می خواستم ببینم تاسیس تعاونی مصرف به کجا رسید؟ ما سال ها است که پول داده ایم و خبری نیست. مامنتظر خبر در این باره هستیم. آذر گشتیب

مدرسه ی راهنمایی گشتاسب مبلغ زیادی را به عنوان کمک به مدرسه و کلاس های فوق العاده می گیرد. لطفاً از مسئولین مدرسه پرسید که مگر مدرسه از انجمن زرتشتیان تهران پول نمی گیرد؟ مدرسه هم که دولتی است و کلاس فوق العاده می هم در مدرسه نیست.

آی. از تهران

پاسخ های رسیده:

به دنبال چاپ پیامی در ستون آزاد شماری پیش، قاضی مدیر دبیرستان فیروز بهرام توضیحات زیر ارائه دادند:

۱- در برابر سروسسی که مدرسه ارائه می دهد، مبلغ گرفته شده بسیار ناچیز است.

۲- عموماً زرتشتیان عزیز یا پول نمی دهند و یا اگر می دهند بسیار کم است

۳- پول را مدیر مدرسه نمی گیرد، این پول مربوط به اعضای محترم اولیاء و مربیان است یا نماینده ی آن ها آقای کورش نیکام و این پول زیر نظر ایشان خرج می شود

۴- اصلاً این وقت سال جای طرح این موضوع است؟

مدرسه "رستمی" در فهرست آثار ملی کشور ثبت شد

این بنا را تشکیل می دهد. دو حیاط در دو طرف ساختمان مدرسه وجود دارد که حیاط ضلع جنوبی دارای گستره ی کم و حیاط ضلع شمالی به نسبت بزرگ است. خادم زاده افزود: دو فضای کم عرض در ضلع شرقی و غربی این بنا قرار دارد که دو حیاط مدرسه را به هم وصل می کند. مدیر کل میراث فرهنگی یزد ادامه داد: در سال های اخیر، دیواره تالار اصلی و ایوان و بخوابها از نمای جنوبی بنا تا بلندای یک متری با سنگ چینی پوشانده شده است. وی گفت: بنای مدرسه دارای

اثر تاریخی «مدرسه رستمی» مریم آباد شهر یزد در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسید. به گزارش ایرنا، محمد حسن خادم زاده، مدیر کل میراث فرهنگی یزد گفت: این مدرسه در سال ۱۳۱۵ خورشیدی بدست «تهمینه رستم» یکی از وی افزود: این مدرسه دارای یک تالار اصلی با پوشش ضریبی ساده است که شش کلاس در دو طرف تالار ساخته شده است. وی با بیان اینکه ورودی این بنا و تالار اصلی در ضلع جنوبی قرار گرفته، گفت: ایوان کوچک با پوشش ضریبی یکی از قسمت های

در نهمین نمایشگاه مطبوعات جایزه غرفه برتر به امرداد رسید



سراسری کشور غرفه ی روزنامه های نوروز، کیهان و همشهری به ترتیب به عنوان غرفه های اول تا سوم برگزیده شدند.

غرفه هفته نامه امرداد در نهمین نمایشگاه مطبوعات به عنوان غرفه ی شناخته شد. به گزارش خبرنگار امرداد، در آیین پایانی این نمایشگاه که با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار کنفرانس نمایشگاه بین المللی تهران برگزار شد، پس از سخنرانی شعبان شهیدی مودب معاون مطبوعاتی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، احمد مسجد جامعی، جوایز غرفه های برتر به نمایندگان نشریات اهدا شد. غرفه ی امرداد نیز به عنوان غرفه برتر اقلیت های مذهبی شناخته شد. همچنین از بین روزنامه های

یکی از آموزگاران

با سابقه کرمان در گذشت

سرور مزدایی آموزگار فرهیخته دبستان شهریاری کرمان در گذشت.

به گزارش خبرنگار امرداد، سرور مزدایی آموزگار با سابقه ی دبستان شهریاری کرمان مدتی پیش بازنشسته شده بود.

دبستان شهریاری کرمان یکی از قدیمی ترین مدرسه های ویژه زرتشتیان کرمان است و بسیاری از دانشمندان و فرهیختگان زرتشتی در این دبستان تربیت یافته اند.

بازدید سفیر برزیل از گنجینه میراث فرهنگی کرمان

سفیر برزیل و همسرش به همراه گروهی از مقامات سفارتخانه برزیل از گنجینه میراث فرهنگی کرمان بازدید کردند. به گزارش خبرنگار امرداد، این هیئت مورد استقبال رییس و معاون انجمن زرتشتیان کرمان قرار گرفتند. در این بازدید مهران راهورامزدا نامید.

رییس کمیسیون دینی-فرهنگی انجمن رسیده پیشنهاد راه اندازی گنجینه ی میراث فرهنگی کرمان در توضیح کاربرد و نقش نخستین نشست های اشیاء درون گنجینه در گردش شانزدهم انجمن فرهنگ کهن زرتشتیان برای میهمانان پرداخت. این گزارش می افزاید: این گنجینه از سوی سفیر برزیل که پسر کمیسیون دینی - استاد فلسفه دانشگاه ساوپائولو است به سرپرستی مهران غیبی، نادرستی نگاره ی فرور رییس این کمیسیون اداره می شود.

تولد مبارک ...
هر کودکی که به دنیا می آید پیام آور شادایی و طراوت و نشانه شور و امید زندگی است. امرداد تولد فرزندان زرتشتی را در هر شماره به دیگر همکیشان و پدر و مادر وی و یا کسی که این خبر شادی بخیر راه امرداد اعلام نماید شادایی می گوید. بنابراین از شما همکیشان گرامی در خواست داریم زودتر خود یا ایشان و خویشاقتان را با تلفن ۰۶-۸۲۲۴۸۰۶ آگاهی ما برسانید.
■ امریکا - نیویورک - روز مهر ایزد و اسفند ماه برابر با ۱۰ اسفند ۱۳۸۰ روز زاد آن ت جم دخت آناهید سلاسی و رستم جمشیدیان
بر این خانواده های زرتشتی و همه بهدینان خجسته باد

خدمات برق
سیم کشی ساختمان
نصب اف اف تایمر راه پله، هواکش
سرویس و تعمیرات کولر
بینام بخت - تلفن ۸۸۲۴۶۹۳

مشاور املاک شما همکیشان در کرج
رستم پرویزی
تلفن: ۰۲۶۱-۲۵۰۶۰۱۸
نشانی: کرج، عظیمیه، خیابان شمس پلاک ۱۷۰

موبایل کامپیوز خرید نقد فروش اقساط
باتخفیف ویژه برای همکیشان
تلفن: ۰۶۵۲۰۵۸۰-۰۶۵۲۴۶۰۸
۰۹۱۳۲۲۳۳۲۴۴

راستین مسکن
خرید، فروش و اجاره
آدرس: یوسف آباد- میدان فرح بخش (سلماس) خیابان شهریار پلاک ۱۳۴
تلفن: ۰۲۵۳۵۲-۰۲۳۶۴۲

فرامرز ضیا طبیری
(وکیل پایه یک دادگستری)
نشانی: خیابان آزادی، روبروی وزارت کار
کوچه بامداد پلاک ۴۱ (داخل بن بست)
تلفن: ۶۸۷۵۵۴۹

پلاستیک سازی دهنادی
تولید کننده انواع لوله های مویی و پروفیل پلاستیکی
از ۱/۵ تا ۲۵ میلیمتر
نشانی پلاستیک ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج
خیابان دارو بخش-خیابان مهندس خود کار
تلفن: ۰۲۶۲-۳۸۳۱۴۴۲

بنیاد فرهنگی - هنری جمشید
میترا و سهراب فرهمند به نامگانه مادرشان رواتشاد تاننده طهارت همتی مبلغ یاتصد هزار ریال جهت خرید کتاب به کتابخانه بنیاد فرهنگی جمشید اهدا کرده اند.
با سپاس از ایشان به آگاهی می رساند که کتابخانه بنیاد فرهنگی جمشید به همت خیراندیشان در آینده نزدیک در دسترس دوستداران قرار خواهد گرفت.
برای آگاهی از شرایط عضویت هر روز از ساعت ۱۶ تا ۱۹ با دبیرخانه بنیاد تماس بگیرید.
خردمند شمالی، کوچه ۶، شماره ۲۱۲، تلفن: ۸۸۲۵۲۱۲

امرداد
مفقه نامه (اکتون و مفقه بیکار)
خبریه، فرهنگی، اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: جمشید کیومرثی
سرمدبیر: اتوماددیناریان
صفحات میبای زیرنگر: پورمحمد پزخیده
مدیر هنری: کیخسرو خاچم
حروف آر: بهاره کیومرثی
مدیر اداری: مژگان مژگان
لیتوگرافی و چاپ: کیان
نشانی:
خردمند شمالی، کوچه ۶، شماره ۲، کد پستی ۱۵۵۸
تلفن: ۰۶-۸۲۲۴۸۰۶، نمابر: ۸۸۲۵۲۱۲
مقالات چاپ شده الزماً نظر امرداد است
امرداد در ویرایش مطالب آزاد است.
پست الکترونیکی: amرداد@hotmail.com

دوای جرایمی مهندسی، قویترین مشاور شما در امر ساختوساز
آماده ایم تا ملک کلتی با زمین شما را در مناطق ۷ تا با نظارت خود شما بصورت مشارکت یا پیمان مدیریت از مرحله تهیه نقشه ها تا مرحله صدور پایان کار زیر نظر مجرب ترین مهندسی با بهترین مصالح و در کوتاهترین زمان ساخته و تحویل نماییم
تلفن: ۰۹۱۱۲۹۹۲۳۷

داروخانه نورشید
صافت داروهای ترکیبی - محصولات آرایشی و بهداشتی
آدرس: نقشه - بلوار گنج - مجتمع پزشکی گناه - پلاک ۲۳۸
تلفن: ۰۸۰۵۸۳۳

دوای جرایمی مهندسی، قویترین مشاور شما در امر ساختوساز
آماده ایم تا ملک کلتی با زمین شما را در مناطق ۷ تا با نظارت خود شما بصورت مشارکت یا پیمان مدیریت از مرحله تهیه نقشه ها تا مرحله صدور پایان کار زیر نظر مجرب ترین مهندسی با بهترین مصالح و در کوتاهترین زمان ساخته و تحویل نماییم
تلفن: ۰۹۱۱۲۹۹۲۳۷